

مقدمه

امپراتوری اسکندری یکی از امپراتوری‌های بزرگ جهان بود که در مدت بسیار کم توانست بر بخش‌های متعددی از اروپا، آسیا، آفریقا تسلط یابد. اسکندر در ضمن لشکرکشی خود به مناطق غرب و شرق، از وجود افراد زیادی مثل دبیران مجرب و تعلیم و تربیت یافته، مورخان، فیلسوفان، پزشکان جغرافی‌دانان و غیره... در جوار خود سود می‌برد تا بتواند از این مهم سربلند بیرون آید. این افراد ضمن همراهی اسکندر در تمام زمینه‌ها او را مشاور می‌دادند. آنان ضمن عبور از مناطق مختلف یادداشت‌هایی بر می‌داشتند که بعدها بتوانند از آن‌ها استفاده نمایند. یکی از متونی که در این میان رقم خورد، یادداشت‌های کلیخارتوس و هم‌چنین گزارش‌های نثارخوس دریا سالار اسکندر و اختراعات و افسانه‌های انیس کریت و گالیس تن و خاطره‌های بطلمیوس لاگا است که اطلاعاتی مفیدی از خود به جا گذاشتند که بعدها توسط سایر مورخان در تألیف کتابشان از آن سود جستند و از جمله متونی که در این حوزه از اطلاعات کلیخارتوس استفاده کرده کتاب تاریخ اسکندر کبیر کنت کورثیوس است. این کتاب بر اساس اطلاعات از بین رفته کتاب کلیخارتوس و سایرین رقم زده شده است و از این جهت هم دارای ارزش بسیار زیادی است. این کتاب حاوی اطلاعاتی ذی‌قیمتی است که با بررسی آن می‌توان به تاریخ و هم‌چنین مسایل سیاسی، اجتماعی، فرهنگی بخش وسیعی از قلمرو تحت حاکمیت اسکندری دست یافت، چراکه با بررسی این کتاب در جهت روشن‌تر کردن ابعاد وسیعی از تاریخ، فرهنگ، سیاست، اجتماع، و هزاران مسایل کوچک و بزرگی که از دیدگاه سایرین به دور مانده است، مثل ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، دیوانی، دبیری، تاریخ، تاریخ‌نگاری، همسایگان، ممالک هم‌جوار، دولت، روابط، بارزگانی، راه‌ها، مسایل نظامی... روشن کند.

کنت کورثیوس به شرح حال زندگی اسکندر، اقدامات، کارهای آنان در قالب متنی بسیار فصیح و شیوا به نگارش در آورده است. بررسی ابعاد متعدد کتاب وی می‌تواند مسایل سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، این دوره و ابهامات، پیچیدگی‌ها آن را بیش از پیش روشن نماید.

معرفی نویسنده و آثار او

کنت کورثیوس:

«کوین توس کورثیوس روفوس»^۲ مورخ رومی که زمان زندگانش محققاً معلوم نیست، ولی ظن قوی این است که در قرن اول میلادی می‌زیسته

قرائت رومی از اسکندر مقدونی

• نعمت اله علی محمدی

دانشجوی دکتری تاریخ، دانشگاه تهران

■ Quintus Curtius

■ with an English translation

■ By Johan C. Rolf

چکیده

بررسی متون تألیفی دوره‌ی اسکندری می‌تواند ما را با مسایل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، دیوانی، دبیری، تاریخ، تاریخ‌نگاری، ممالک هم‌جوار، دولت، روابط، بارزگانی، راه‌ها، مسایل نظامی... آشنا سازد. از جمله متونی که حاوی این اطلاعات مهم است کتاب اسکندر کبیر کنت کورثیوس می‌باشد. این کتاب یکی از منابع ذی‌قیمت اطلاعاتی به حساب می‌آید. بررسی این کتاب می‌توان ابعاد بسیاری در حوزه‌ی تاریخ ایران و هند مرزهای شرقی ایران... عهد اسکندری را روشن سازد. کنت کورثیوس از جمله مورخان رومی است که کتابی را در مورد زندگی اسکندر به نگارش در آورده و اقدامات و کارهای آنان را با سبکی فصیح و پر از تعریف و تمجید تألیف کرده است. این اثر حاوی اطلاعاتی است که مؤلف آن را بر اساس گزارش‌های کلیخاتوس همدم و هم‌رمز و رفیق و شفیق اسکندر و اختراعات و افسانه‌های انیس کریت و گالیس تن و خاطره‌های بطلمیوس لاگا رقم زده است. هدف از گفتار حاضر بررسی ابعاد متعدد کتاب کنت کورثیوس است و با این سؤالات که:

کنت کورثیوس در کتابش به چه مسایلی توجه کرده است؟

اطلاعات او در چه حوزه‌ای تنظیم یافته است؟

آیا کنت کورثیوس صرفاً به تعریف و تمجید شاه مقدونی اسکندر پرداخته است؟

دامنه‌ی اطلاعات کتاب اسکندر کبیر چه ابعادی را در بر می‌گیرد؟

بررسی ابعاد متعدد کتاب اسکندر کبیر کنت کورثیوس می‌تواند مسایل سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، این دوره و ابهامات، پیچیدگی‌ها آن را بیش از پیش روشن نماید.

کلید واژه: دوره‌ی اسکندری، زندگی اسکندر کبیر، کورثیوس، مسایل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، دیوانی، دبیری، تاریخ، تاریخ‌نگاری، ممالک هم‌جوار، دولت، روابط، تجارت و بارزگانی، راه‌ها، مسایل نظامی.

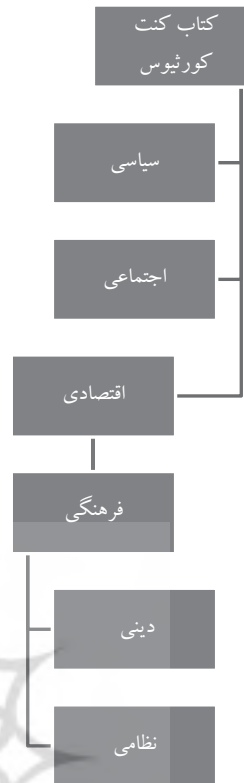
بسیار خوب ارائه کرده و آن‌ها را تحریف یا جعل نکرده است به جز سخنان و نامه‌های بنا بر عادت مرسوم بوده به‌طور خیلی موجز چنان که متداول و مرسوم بوده روایت کرده است. از محتوی مطالب کتاب کنت کورثیوس می‌توان نتیجه گرفت او اسکندر را در قالب یک افسانه روایت نمی‌کند، اگرچه تعریف و تمجید زیادی از او شده و به صورت یک مورخ درباری به ستایش شاه اهتمام ورزیده ولی می‌توان روایت او را تاریخ نامید.^۶

در قرون بعد اشخاص زیادی درصدد برآمدند تا کتاب‌های او را تکمیل کنند و مخصوصاً آقای «فرین شمیوس»^۷ که بر زبان لاتین تسلط تمام داشته است در این راه زحمات زیادی را به جان خرید. کتاب‌های کنت کورث در قرون سابق خواننده‌ی زیادی داشت، ولی حالا نوشته‌های این مورخ از اعتبار چندانی در نزد خوانندگان برخوردار نیست، زیرا او در سبک نوشتار متن را فدای حوادث تاریخی کرده است و به آرایه‌های ادبی بیشتر اهتمام ورزیده است و به این سبب مطالب او بیشتر جنبی ادبی به خود گرفته است. او در نوشتن کتابش از منابع متعددی استفاده کرده است که عبارتند از:

- ۱- خاطره‌های بطلمیوس لاگا و بعضی از سرداران دیگر اسکندر که آریان هم از این منابع استفاده کرده ولی استفاده او عاقلانه‌تر است.
 - ۲- اختراعات و افسانه‌های انیس کریت و گالیس تن که بعد موضوع رومان تاریخی کلیتارخ گردید و کنت کورث مستقیماً یا به وسیله‌ی کتب دیگر از این رومان چیزهایی برداشته است. معلوم است که مقصود او از این اقتباسات تفریح خوانندگان بوده، نه تعلیم تاریخ.
- با وجود تمامی این معایب کتاب کنت کورث از جمله آثاری است که باید مورد مطالعه قرار گیرد؛ زیرا حاوی اطلاعات با ارزشی است که در آن مؤلف به شرح اخلاق، عادات و قوانین مقدونی‌ها می‌پردازد که در هیچ یک از منابع نمی‌توان یافت. و از جمله مواردی که کتاب کنت کورث را نسبت به سایر کتاب‌ها ارجحیت و اعتبار بخشیده است این است که چون کنت کورث خود یونانی نبوده است با وجود ستایشی که برای اسکندر در سایر کتاب‌ها آمده است در این اثر خبری از آن نمی‌توان یافت و علاوه بر ذکر برخی از ویژگی‌های اسکندر کارهای بد اسکندر را پرده‌پوشی نکرده است و آن‌ها را به وضوح در کتابش قید می‌نماید.^۸ کتاب حاضر توسط آقای جان رولف به انگلیسی و بخش دیگر به زبان فرانسه در حدود ۵۵۵ صفحه ترجمه و تصحیح شده است و در دانشگاه پینسلوینیا به سال ۱۹۷۶ میلادی به چاپ رسیده است.

اهمیت کتاب

این کتاب حاوی اطلاعات گران‌بهایی از دوره‌ی زندگی اسکندر تا پایان مرگ او به حساب می‌آید. بنا به گزارش سایر مورخان اطلاعاتی را که کنت کورثیوس ارائه می‌دهد به جهت نبود سایر کتاب‌هایش تا حدی ناقص است، ولی با توجه به کتابی که از او در دست (که به زبان‌های انگلیسی و فرانسوی ترجمه شده است) است، وامدار اطلاعاتی از اثر کلیخارتوس هم‌رمز و همدم و مونس و همراه اسکندر و سایرین است و چون آثاری از کلیخارتوس به دست ما نرسیده است، از این رو آنچه را که کنت از این دوره از تاریخ ارائه می‌دهد از شایستگی و برجستگی و اهمیت خاصی برخوردار است. مضافاً بر این که کنت کورثیوس به عنوان یک استاد در علم فصاحت و بلاغت و سخنوری، اثر را طوری رقم زده است که برای خوانندگان بسیار جالب و حس‌قهرمان‌گرایی و تعریف و تمجید از آن متصور می‌شود و با مطالعه این اثر در می‌یابد که اثر



و کتاب‌های خود را در زمان «کلادیوس»^۹ امپراتور روم (۵۴ - ۴۱ میلادی) تألیف کرده است. نوشته‌های او معروف به تاریخ اسکندر کبیر است که در ده جلد به نگارش در آمده است ولی از آن‌ها کتاب اولی تا پنجم، و هم‌چنین ابتدای کتاب ششم گم شده و از کتاب دهم جاهایی افتاده است.^۴

در مقدمه کتاب چنین آمده که ظاهراً در قرن اول میلادی در امپراتوری روم زندگی می‌کرد و تاریخ اسکندر را در ده جلد منزه و در قالب ادیبانه و در بسیار خوب برای خوانندگان یونانی زبان به رشته‌ی تحریر در آورد. دو کتاب از کتاب‌های ده جلدی او از بین رفته است و روایات را از سال‌های ۳۳۳ ق. م شروع می‌کند. محتوی کتاب‌های پنجم و ششم تا دهم امروزه در دست است. یکی از منابعی که کنت کورثیوس از آن در تألیف کتابش سود برده است کتاب گمشده کلیخارتوس بود کسی که در سال‌های ۳۰۰ ق. م. در دوران حیات اسکندر در کنار او بود. به طوری که حوادث این دوران را در قالب بسیار مهم و عجیب و حیرت‌آوری تبدیل کرده است. کنت کورثیوس اطلاعاتش را جطری ساماندهی کرده که نمی‌توان او را از جمله مورخان منتقد و تحلیل‌گرا مثل توسیدید یا پولی بیوس به حساب آورد. بیشتر هم وغم کنت کورثیوس مانند اسلافش (هرودوت) اشتیاق و دغدغه‌ی سرگرم‌کردن و هم‌چنین عزیز و بزرگداشتن اسکندر و کارهای او بوده است.^۵ به طوری که تاریخ را فدای کارها و تعریف و تمجید از او کرده و عملاً در توصیف و تحلیل وقایع و حوادث مهم تاریخی غفلت کرده و فرد را به جای تاریخ توصیف می‌کند. یا به‌طور خیلی واضح‌تر حوادث تاریخ را تا حدی کنار گذاشته و با رویه قهرمان‌گرایی محو جمال و کارهای اسکندر شده است. او دانش و آگاهی کافی در امور نظامی و جغرافیایی در ادوار مختلف نداشته ولی سعی کرده است که آن‌ها را در قالب

کنت کورثیوس اطلاعاتش را طوری ساماندهی کرده که نمی‌توان او را از جمله مورخان منتقد و تحلیل‌گرا مثل توسیدید یا پولی بیوس به حساب آورد. بیشتر هم وغم کنت کورثیوس مانند اسلافش (هرودوت) اشتیاق و دغدغه‌ی سرگرم‌کردن و همچنین عزیز و بزرگداشتن اسکندر و کارهای او بوده است

اسکندر مقدون

و به دنبال آن تسلیم بی‌قید و شرط دولت‌ها، کشورها، ملت‌ها، اقوام متعدد، قبول آقایی و سیادت او بر تمامی این افراد را می‌تواند ببیند. به طوری که با بررسی اجمالی بر سراسر کتاب می‌توان یک نوع روحیه تقدیرگرایی برای سایر کشورها و اقوام... توأم با قهرمان پروری اسکندر و سایر سرداران آن می‌توان مشاهده کرد.

محتوای کتاب

کنت کورثیوس در کتاب ششم خود به موارد زیر اشاره می‌کند: وقتی که اسکندر در آسیا پیروزی‌هایی بدست آورد، آشفتگی‌هایی در یونان و مقدونیه به وجود آمد - آگیس شاه لاسیدمونی‌ها اصرار داشت زمانی که پارس‌ها دوباره حکومت را بدست گرفتند و بر سر قدرت آمدند، یونانی‌ها را از یوغ و بندگی و بردگی مقدونی‌ها بیرون آورند - با پول فرمانبازوس و اتئوفردیتیس سربازان مزدوری به خدمت گرفت و توانست از غیبت آنتی پاتر در تراس سود زیادی بدست آورد - با بدست آوردن این سود توانست بر اطرافش و بر تمامی پیلپوننیوس پیروز شود - سپاهی با ۲۰ هزار پیاده و ۲۰۰۰ هزار سواره نظام تهیه کند - آنتی پاتر در تراس در بهترین شرایطش ماندگار شد او می‌توانست از راه دوستی و اتحاد با شهرهای یونانی ۴۰ هزار سرباز را سازماندهی کند - او پیام‌هایی به اسکندر جهت آگاهی از شورش علیه او و همچنین عنوان پادشاهی و پول و کشتی کافی برای او ارسال کرد - در آغاز این جنگ به نفع لاسیدمونی‌ها بود - سرانجام جنگ به درگیری‌هایی سختی منجر شد اما بعد از مدتی آنتی پاتر بلافاصله نیروهای تازه نفس برای کمک به مردانی که در فشار بودند ارسال کرد - لاسیدمونی‌ها مرزهایشان را ترک کردند و عقب نشستند - در نتیجه آگیس با دربار سلطنتی و مردان شجاع خود با میل اشتیاق سخت برای نبرد آماده شدند.^۹

در کتاب هفتم کنت کورثیوس بر اساس سلسله مراتب تاریخ موارد زیر را مطرح می‌کند: توطئه‌ها و دسیسه‌های جدید هادیان اسکندر موجب شد که اسکندر در یک شرایط Lyncestes را بسازد - کسی که در همین مقام سه سال بود - او یک سیستم دفاعی راطراحی کرد اگرچه ابتدا در آن تصور کرد ولی بلاخره موفق شد، این روال ادامه داشت تا مرگ او فرارسید - برادران آمینتاس و سیمیاس و همچنین دوستان فیلوئاس متهم می‌شوند اما این اتهامات توسط آمینتاس رفع گردید - آمینتاس و برادرش در این حادثه جان سالم به دربردند - هنگامی فیلاتوس تحت شکنجه قرار گرفت برادر کوچکترش فرار کرد و بعدها توسط اسکندر مورد عفو قرار گرفت - پولیداماس به دربار فرا خوانده شد و او با عجله و شتاب به media رفت جایی که برای او اخباری در مورد

حاضر به شکل یک رومان حماسی رقم خورده است، ولی با توجه به سبک آثار و دامنه اطلاعات اثر کنت کورثیوس باید آن را از رومان تاریخی خارج دانست بلکه آن را خود تاریخ به حساب آورد، چرا که دامنه‌ی اطلاعات اثرش بسیار زیاد است و در این پنج جلد کتابی از او باقی مانده است اطلاعات تاریخی به شکل بسیار جالب ساماندهی شده است که با مطالعه اثر کنت کورثیوس می‌توان دریافت که او فقط صرف اطلاعات و اخباری را گزارش می‌کند و هیچ‌گونه نقد و انتقادی با صحت و سقم بودن اطلاعات را ارزیابی نمی‌کند و فقط اطلاعات را چه راست، چه دروغ باشد می‌آورد و قضاوت را بر عهده خواننده می‌گذارد و البته گاهی مرتکب اشتباهاتی هم می‌شود. اطلاعات ارائه شده در اثر کنت کورثیوس را می‌توان به چند حوزه تقسیم کرد:

اگرچه در حوزه‌های یادشده لایه‌ها و بستریهایی از شکل جدید اطلاعات طبقه‌بندی شده ارائه می‌شود و با مطالعه آن می‌توان دریافت عمق و دامنه اطلاعات کنت کورثیوس چقدر زیاد است. عمده این اطلاعات از اثر کلیخارتوس و از اختراعات و افسانه‌های انس کریت و گالیس تن اقتباس شده و می‌توان نتیجه گرفت که احتمالاً اطلاعات طبقه‌بندی شده کلیخارتوس به شکل سازمان‌یافته تر در اثر کنت کورثیوس با توان بلاغت و فصاحت و روانی تمام رقم خورده است. گزارشی از وضعیت ایران در این دوره تا مرگ اسکندر و همچنین اطلاعات بسیار ارزنده‌ای از مرزهای شرقی ایران، ایالاتی چون باختر، هند و اقوام متعدد منطقه چون، سکاها، باکتریایی‌ها، ماسازت‌ها، و همچنین جنگ اسکندر با آن‌ها، فتح نواحی متعدد و بخش‌های شمالی و جنوبی رودخانه‌های جیحون و سیحون، دشت‌های ماوراء رودان، حرکت به طرف هند، سرکوب شورش‌های بعد از فتح نواحی شرقی، تاسیس شهرهای جدید، از جمله اطلاعاتی است که کنت کورثیوس بر اساس سلسله مراتب تاریخی در کتابش قید کرده است. یکی از جنبه‌های مهم کتاب حاضر اطلاعات جزئی و دقیقی است که کنت کورثیوس از منطقه‌ی شرق ایران ارائه می‌دهد که در سایر آثار این دوره مثل آثار آریان و دیودور سیسیلی یافت نمی‌شود. افزون بر این، گزارش‌های اکتشافات دریایی که نتارخوس به اسکندر داده است، در کمتر اثری می‌توان یافت. این دست از اطلاعات را می‌توان یکی از ویژگی‌های اثر حاضر به حساب آورد. اطلاعات بسیار جالب و خوبی از آداب و رسوم، جشن‌ها، بازی‌ها، فرهنگ‌ها، خرده فرهنگ‌ها... می‌توان از کتاب کنت کورثیوس به دست آورد که در آثار سایر مورخان مقرر این زمان کمتر به آن توجه شده است. ولی نباید فراموش کرد که قالب اطلاعات ارائه شده در این اثر حسی از برتری جویی، قهرمان‌گرایی و فناپذیری اسکندر سردار مقدونی

**کنت کورثیوس در نوشتن کتابش از یادداشت‌های
کلیخارتوس و همچنین گزارش‌های نئارخوس
در یاسالار اسکندر استفاده کرده است. این دو اطلاعات
مفیدی از خود به جای گذاشتند، که بعدها مورخان
دیگر در کتب خود از آن‌ها بهره بردند**

اسکندر مقدونی

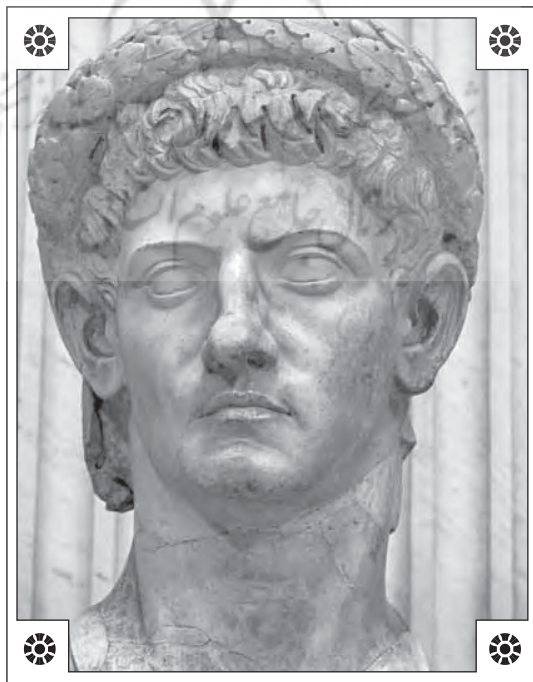
غم و اندوه و پشیمانی از این واقعه - مقدونی‌ها تصمیم گرفتند که کلیتوس را چنانکه شایسته اش است او را دفن نمایند - اسکندر به سوی باختر و سرمتی‌ها حرکت کرد - مرگ فلیپ و اریگیسوس - اسکندر زن سپیتامان را (شهر او را با خود به میدان جنگ آورده بود و در میان فوت کرد) از اردویش اخراج کرد - اسکندر به چندین ایالت خودمختاری اعطا کرد و آن‌ها تحت تابعیت حکمرانانش قرار گرفتند - در اثر سرما سپاهی به طرف گبزا gazaba فرستاده شده بود تقریباً همگی از بین رفتند - تحمل و شجاعت و پایداری اسکندر - مهربانی به سپاهیان مشترک از یونانی و پارسی - او کسپارتیس oxyartes تسلیم می‌شود - اسکندر با دختر او کسپارتیس oxyartes ازدواج می‌کند - افکار اسکندر به جنگ در هند معطوف می‌شود - اسکندر نیروهایش را با سلاح کوتاه تجهیز می‌کند - تحت تأثیر چاپلوسان قرار می‌گیرد - او به مقدونی‌ها دستور داد به سبک و شیوه ایرانیان کالیستینس (رسم زمین بوسی در مقابل شاه) به او احترام بگذارند و در مقابل او به خاک بیفتند - هیرمولوس یکی از خواجگان دربار به سبب فشار بار مجازات علیه اسکندر دسیسه‌چینی می‌کند - وقتی سر هویدا شد گالیستنس از همدستی با توطئه‌گران علیه اسکندر پشیمان می‌شود فقط به جرم همراهی با توطئه‌گران زندانی می‌شود - به او اجازه داده شد تا از خودش دفاع کند - هیرمولوس با شجاعت و غرور به اسکندر به صورت لفظی حمله می‌کند - گالیستنس از احترام به اسکندر خودداری می‌کند و به همدستی در توطئه اقرار می‌کند - اسکندر بعد از مکث طولانی به سخنان هیرمولوس پاسخ می‌دهد - اسکندر دستور داد که کالیستنس را بکشند چراکه مرگ او بهتر از سایر توطئه‌گران و خائنان است - اسکندر به طرف هند حرکت کرد - شرح و توصیف منطقه هند، رودخانه، حیوانات، آب و هوا، ثروت و دارایی، طبقات متعدد مردم، عیاشی و زرق برق شاهان، روش و شیوه زندگی فیلسوف مسلکانه هندیان - اسکندر تابعیت فرمانبرداری چندین تن از شاهزادگان هندی را دریافت کرد و چند شهر در آنجا بنا نمود و قلمرو حاکمان و شاهانی که هنوز پایداری می‌کردند، تصرف کرد - او از مرگ مگازی حیران شد و اجازه داد تا او را دفن کنند اگرچه او را پسر ژوپیتر می‌نامیدند - بعد از کشمکش و درگیری شهرهایی چون؛ هورا و اورانوس را تصرف کرد - تصرف شهرها بیهوده بود که توسط هیراکولیس انجام شد - اسکندر از رودخانه ایندوس عبور کرد و دوباره به مقر فرمانروایی‌اش در امپیس omphis بازگشت - کسانی که در جوارش بودند برای شاه هدایا متفاوت آورده بودند - اسکندر به طرف رودخانه هیداسپ لشکر کشی می‌کند - جنگ در پروس - با عملیات نظامی نیروهای پروس - به دو بخش تقسیم می‌شوند - اسکندر از رودخانه هیداسپ عبور می‌کند و سواحل آن را تصرف می‌نماید

چگونگی مرگ پارمینون را آوردند - اسکندر دستور داد تا سپاهیان در زیر سلاح قرار بگیرند و افرادی از این موضوع و دلایل آن شکایت کردند - اسکندر بعد از این که آرمیلسپی و آراخوزایا را تحت تابعیت خود درآورد از کوه‌های پارامیزوس به همراه سپاهیان عبور کرد - توسط پیاده نظام خود شهری به نام اسکندریه بنا کرد - بسوس مهمانی و ضیافتی را با شرکت کنسولان منطقه ترتیب داد تا در این ضیافت درمورد جنگ با اسکندر شور کنند - گویریاس به بسوس در مورد این جنگ هشدار داد - اما این هشدارها هیچ تاثیری بر بسوس نداشت - بسوس از مقابل اسکندر فرار کرد و به سوی سغدیانا گریخت - اسکندر وارد باکتريا شد - مرگ ساتیبارزانس را شنید - اسکندر از جیحون oxus گذشت - بسوس توسط سپیتامینس دستگیر شد و به نزد اسکندر آوردند - شاه بسوس را به oxathres اوکساتریس و برداران داریوش سپرد تا او را به صلیب بکشند - سغدیانیای مطیع شده دوباره سر به شورش برداشت - کوروپولیس و سایر شهرها تصرف شدند و اسکندر شهری را با عنوان اسکندریه در کنار سیحون iaxartes بنیان نهاد - اسکندر تحت فشار جراحت و زخم جنگ بود - کنسولی به منظور جنگ با سکاها در شرق گماشت - اریساندر فال و سرنوشت و همچنین نشانه‌های از جنگ اسکندر را تفسیر می‌کند - میندیموس در این میان شکست خورد و به همراه کمتر از ۲۵۰۰ سواره نظام در این حمله کشته شد - اسکندر مصیبت و درد این واقعه را پنهان می‌کند - وقتی اسکندر آماده جنگ می‌شود، نمایندگانی از سکاها وارد می‌شوند و نشانه‌های صلح را تسلیم می‌کنند - اسکندر نمایندگان را نمی‌پذیرد - از سیحون iaxartes عبور می‌کند و به سکاها حمله می‌کند - او سکاها را شکست می‌دهد و با آن‌ها به مهربانی و سخاتمندانه برخورد می‌کند - او دریافت که سکاها در محاصره هستند به تعقیب سپیتامان (کسی که میندوس را شکست داده بود) پرداخت - سغدیانا دوباره تصرف شد - روحیه بالای نجیب زادگان سغدیانا اسکندر را وادار کرد که به باکتريا باز گردد - بسوس به اکباتانه فرستاده شد تا در آن دیار به مجازات برسد - شش شهر در حوالی مرگیانا بنا نهاده شد - تختگاه Arimaza آریمازا به سبب شرایط طبیعی غیرقابل تسخیر توسط اسکندر فتح شد - دلایل سرسختی و دفاع فرماندار آریمازا در مقابل حملات اسکندر - ارتباط اسکندر با نجیب زادگان گوشمالی و تنبیه و به صلیب کشیدن آن‌ها.^۱

کنت کورثیوس کتاب هشتم خود را به مطالب زیرآراسته است: ماساژت‌ها، داهه‌ها و سغدیانی‌ها تحت تابعیت اسکندر قرار گرفتند - سکاها دختر شاه باختر را برای ازدواج با اسکندر پیشنهاد کردند - اسکندر به سبب مستی کلیتوس را، که در یک ضیافت مهمانی، سخنان تندی به او زده بود، به قتل رسانید -

ها و کوراتاس و مقدونی ها هندوان به وقوع می پیوندد - پروس در جنگ شکست می خورد اما اسکندر با آنان با مهربانی رفتار می کند.^{۱۱} در کتاب نهم کنت کورثیوس اطلاعات زیر را آورده است: اسکندر در سواحل رودخانه هیداسپ پیشروی می کند - او قبایل و شهرهای زیادی را (که آداب و رسوم متفاوتی بودند و توصیف شده است) تصرف می کند - زمانی که از سواحل هیداسپ می گذرد دو قوم قوی و قدرتمند به او حمله می کنند - سربازانش شجاعت و دلیری به خرج می دهند و به پیشروی ادامه می دهند - شاهان و حاکمان قبایل با سخنرانی فصیح از اسکندر درخواست صلح می کنند - کونیوس از میان سربازانش به شاه جواب می دهد - اسکندر بعد از تغییرات دوازدهگانه و ساختن لوحه های یادبود، از توسعه طلبی و پیشروی و بنیان نهادن نیسایه و بوسیفیلا به عقب برمی گردد - اسکندر ناوگان کشتی رانی در جنوب رودخانه هیداسپ تشکیل می دهد - کونیوس بیمار می شود و بعد از مدتی فوت می کند - اسکندر سی بی sibi را تصرف می کند - اسکندر به هنگام فشار در جنگ در کناره رودخانه هیداسپ و Acesines و آسیان ها، با خطر بزرگی مواجه گردید، اما توانست به سرزمین های مالی mali دست یابد - در میان سربازان نشانه های از ناراضی مشاهده می شود، اما با سخنرانی شاه احساسات هواخواهی شان تحریک می شود - اسکندر بربرها را شکست می دهد و با وجود خطرات و هشدارهای پیشگو، دوباره به شهرهایشان حمله می کند - او از کنار دیوار قلعه به میان دشمن می پرد و بعد از جنگ بسیار بزرگ به شدت زخمی می شود، اما با شجاعت و دلیری تعدادی از محافظانش نجات می یابد - پیش از زخمی شدن، شاه در انتظار عمومی ظاهر می شود و سلامتی خود را عیان می کند - در این میان با مقاومت متصرفانش در مواجهه می شود - آشوب و ناراحتی در میان یونانیان باختر - نمایندگانی از مالی mali و سودراسای sudrae برای سفارت پیشنهاد می شوند - اسکندر به همراه آن ها یک ضیافت مهمانی ترتیب می دهد - در دیوکسیپوس dioxippus در میان آنتی

ها و کوراتاس و مقدونی ها جنگ تن به تن آغاز می شود - یونانیان پیروز می شوند اما خودشان کشته می شوند زیرا رسوایی بدنامی برای دشمنانش است - اسکندر با کشتی هایی از روی ایندوس به طرف پتاله palata حرکت می کند و بلافاصله به سمت سایر قبایل همسایه می رود - پوتلمه توسط یک تیر سمی زخمی می شود و به طور معجزه آسایی معالجه می شود - سرانجام اسکندر بعد از مدت ها از گذشتن ملوانان نازآمده و ناشی اش از جزر و مد و رسیدن به اقیانوس ابراز خشنودی می کند - رهسپار شدن نثارخوس به دریا به منظور انجام اکتشافات دریایی و سفر در اقیانوس با یک کشتی یا یک ناوگان دریایی و بازگشت او به دریای عمان - اسکندر و عبور او از صحرای بزرگ cedrosia جایی که این سیاه از شدت گرسنگی و کم آبی با مشکلات بزرگی مواجه شدند و آن را تحمل کرد - بعد از مدت زمان زیادی آن ها به کرمانیا carmania رسیدند و بعد از عبور از میان صحراف به جشن و شادمانی پرداختند.^{۱۲} در کتاب دهم کنت کورثیوس به مطالب زیر اشاره دارد: این بخش از کتابش با سایر جلد ها متفاوت تر است چرا که مؤلف به پایان دوران اسکندر می رسد و به نوعی تألم و تأثر از متن کتاب پیداست. اسکندر نسبت به حاکمان فاسد حدت و سختی زیادی نشان می دهد. نثارخوس و انسی کرتیوس از سفر دریایی بازگشتند و آن چه را که در طول سفر آموخته و شنیده بودند به اسکندر گزارش می دهند - اورسی نیس orsines حاکم پاسارگاد استحقاق اعدام شدن را ندارد - شورش odrysae در تراسی - آشوب و شورش در میان یونانی ها به حاکمان در آسیا دستور داد تا نیروهای خارجی شان را به سرزمینشان باز گردند - هرپالوس کسی که از طرف اسکندر به ساتراپی بابل منصوب شد - به سبب اختلاس در خزانه شاهی به میزان ۵۰۰۰ تالان و ترس از جان خود به اروپا فرار کرد - اسکندر امیدوار بود که آنتی ها او را دستگیر کرده و به نزد او بیاورند - طرح های اسکندر به آنتی ها رسید، اما دریافتند که هرپالوس از دست آنتی ها خارج شده است به طوری که او در کریت crete کشته شد - اسکندر



به سربازانش حقوق می‌دهد - قصد داشت به یکی از خانه های قدیمی برود (خانه بیلاقی) و در کمال آرامش در آنجا بماند - شورش در میان سپاهیان به وجود می‌آید که اسکندر آن را فرومی‌نشاند - اسکندر سیزده شورش را سرکوب می‌کند - از گروهی از سربازان خارجی تمجید می‌کند - از میان نیروهایش یعنی از میان فرماندهان ایرانی تعدادی را به عنوان گارد و محافظ خود انتخاب می‌کند - سردهسته‌های شورش توسط فرماندهان ایرانی اعدام می‌شوند - یکی از این شورشیان به شاه تعرض می‌کند - اسکندر در یک حالت عصبی دستور داد تا همگی شورشیان را به رودخانه بریزند - عصبانیت او بیش از دو روز دوام نداشت - او بعد در انتظار ظاهر شد و به سبب طرح‌های ناموفقش مورد بازخواست قرار گرفت - دستور داد قربانی باشکوهی انجام دهند و رهبران پارسی و مقدونی‌ها را برای یک ضیافت دعوت کرد - تمام سربازان از کارافتاده را با دادن پست های سازمانی و همچنین به هر نفر یک تالان پول، آن‌ها را از خدمت سربازی و خدمت نظام مرخص کرد - او دستورات دیگری صادر کرد که تمامی پسران فراموش شده از تیک Asiatic به همراه او تشکیل خانواده بدهند و ازدواج کنند - بیش از ده هزار سرباز کهنه کار و از کارافتاده توسط کراتیریوس cratrerus از خدمت سربازی مرخص و به یونان فرستاده شدند - آنتی پاتر به طور مستقیم افتخارات مخصوص و امتیازات ویژه ای به او اعطا کرد - کراتیریوس به فرماندهی یا حکمرانی منصوب گردید و آنتی پاتر برای آمدن اسکندر دستور تجدید قوا را داد، زیرا اختلافاتی بین آنتی پاتر و المپاس مادر شاه بوجود آمده بود که تصور می‌شد آنتی پاتر در تشدید به آن کارهای دیگری انجام می‌دهد اسکندر بعد از تغییرات در سپاه به کیلونیا celonea آمد - کیلونیا شهری بود که اجداد boeotins توسط خشایارشا از مساکن خودشان رانده شدند - نزاع بین eumenes و hephaestion هیفستیون بوجود آمد - اسکندر به میدیا media آمد - برای اسبان خوب و نیک آن منطقه جشن برگزار کرد - در اکباتان او دستور داد تا قربانی‌ها و جشن‌ها و بازها و مهمانی‌ها و ضیافت‌های برای آسایش خاطر مردم برگزار کنند - هیفستیون بیمار شد و درگذشت - جسد او به بابل منتقل گردید و با مراسم و تشریفات به خاک سپردند - اسکندر دستور داد برای هیفستیون در سراسر امپراتوری سوگواری کنند - او بر آن شد که هیفستیون به اندازه خدا و یک آگائوکلس و یک samian بالا ببرند - اسکندر برای مقابله با کوسی‌ها cissaei که افرادی گستاخ و جسور و ملت جنگجو بودند، حرکت کرد - او بعد از ۴۰ روز آن‌ها را تحت فرمان خود درآورد - اسکندر شهرهایی را بنا کرد و به سوی بابل حرکت کرد - نثارخوس به او هشدار داد که وارد شهر بابل نشود - اما او این اظهارات را کودکانه تصور کرد و آن را خوار شمرد و اصلاً به آن اعتنایی نکرد - او بر روی رودخانه pallacopas در سرزمین اعراب به کشتی‌رانی مشغول شد - او شهری را در آنجا بنا نهاد و تعدادی از افراد پیرو سالخورده و یونانیان از کار افتاده و سایر کسانی که دوست داشتند در آنجا باقی بمانند در آن منطقه اسکان داد - با وجود این که نشانه های یا پیشگویی‌های نامطلوب در خصوص ورود او به بابل وجود داشت، اسکندر وارد بابل شد - او به همراه نثارخوس در مهمانی و ضیافت شرکت کرد - وقتی که در حال استراحت بود میدیای‌ها، مادها قصد داشتن در این باده‌گساری شرکت کنند به او سوء قصد کنند، بعد از صرف شام و نوشیدن، مریض شد و شش روز به شدت در بستر بیماری افتاد - حلقه‌ای به پردیکاس داد و اظهار داشت که جسد او را به آمون ببرند - اسکندر فوت کرد و گفت که پادشاهی را برای بهترین مردان رها کرده است - انتخاب

جانشین برای او و عقاید و آراء مختلف مقدونی‌ها در این مورد - میلیاگر به برادر اسکندر آریده التفاط می‌کند - پیتون phiton perdiccas نامیده می‌شود و leonnatus لیونناتوس به عنوان نایب السلطنه تا زمان تولد پسری از رکانا Roxana منتظر می‌ماند - آریده توسط سربازان پیاده نظام تا رسیدن به تاج و تخت شاهی محافظت می‌شود - پردیکاس و لیندانیس با سواره نظام شان تصمیم می‌گیرند که شهر را ترک نمایند - میلیاگر meleager در مورد کشتن لیندانس با آریده مشورت می‌کند - پردیکاس به مکانی در میان دشتهای پناهنده می‌شود و در بابل به گرسنگی مبتلا می‌گردد - آریده مایل به صلح است و سعی و تلاش دارد که این ویرانی و آشفتگی را آرام کند - پردیکاس زمانی که با یک رویا ارتشی به سبک و شیوه مقدونی می‌سازد و با این ارتش با یک استراتژی یا برنامه خاص میلیاگر با ۳۰۰ تن از شورشیان و آشوب طلبان و خائنان به نفاق را به قتل می‌رساند - پردیکاس امپراتوری اسکندر را تقسیم می‌کند و بخش مهم امپراتوری را آریده و تعدادی از سرداران سپاه مقدونی به خود اختصاص می‌دهد - جسد اسکندر به شیوه و سنت مصریان و کلدانی مومیایی می‌شود و به سوی پوتلمه و از آنجا به میمفیس و بعد از آن به اسکندریه در مصر انتقال می‌یابد.^{۱۳}

منابع و مأخذ

- پیرنیا، حسن، ایران باستان، تهران، افسون، ج ۱، ۱۳۸۰.
Quintus Curtius, with an English translation By Johan C. Rolf in two Volumes II, Books VI-X, university Pennsylvania, McmLXXVI, 1976

پی‌نوشت

- 1 - Quinte Curce
- 2 - Quintus Curtius Rufus
- 3 - Claude
- ۴ - حسن پیرنیا، ایران باستان، تهران، افسون، ج ۱، ۱۳۸۰، ص ۹۵
- 5 - Quintus Curtius, with an English translation By Johan C. Rolf in two Volumes II, Books VI-X, university Pennsylvania, McmLXXVI, 1976, p.1
- 6 - p.2. Quintus Curtius, with an English translation By Johan C. Rolf in two Volumes II
- ۷ - Freinchemius - از نویسندگان قرن هفدهم است.
- ۸ - حسن پیرنیا، ایران باستان، ص ۹۶
- 9 - Quintus Curtius, with an English translation By Johan C. Rolf in two Volumes II, p.2-111
- 10 - Quintus Curtius, with an English translation By Johan C. Rolf in two Volumes II, p. 111-227
- 11 - Quintus Curtius, with an English translation By Johan C. Rolf in two Volumes II, p. 233-359
- 12 - Quintus Curtius, with an English translation By Johan C. Rolf in two Volumes II, p.362-461
- 13 - Quintus Curtius, with an English translation By Johan C. Rolf in two Volumes II, p.469-559.